ادامه از صفحه اول

هله برخیز که اندیشه دگر باید کرد

این عامل در ایران برخلاف روند جهانی با رشدی چشمگیر به سومین عامل بار بیماری در سال ۲۰۱۰ تبدیل شده است.

به عبارت دیگر این موضوع پدیده شومی است که در سالیان اخیر گریبان‌گیر ما ایرانیان شده است.

ب- سال گذشته با ابلاغیه رسمی وزیر محترم بهداشت، سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری‌های غیرواگیر و عوامل خطر مرتبط منتشر شد. در این گزارش، مرگ ناشی از حوادث جاده‌ای در کشور ما با متوسط جهانی و پنج کشور آمریکا، مصر، ترکیه، پاکستان و عراق مقایسه شده است. این سند نشان می‌دهد درحالی‌که ما در شرایط بسیار نامساعدی در مقایسه با متوسط جهانی و هر یک از کشورهای فوق قرار داریم، برخی کشورهای همسایه، به‌ویژه ترکیه، روند کاهشی خوبی را سپری می‌کنند.

ج- اقدامات برخی از کشورهای در حال توسعه قابل تأمل است. برنامه «چشم‌انداز صفر» در کشور سوئد با هدف آنکه هیچ مرگ یا جراحت شدیدی به علت حوادث ترافیکی رخ ندهد و برنامه «ایمنی پایدار» در کشور هلند با هدف ایجاد یک سیستم ایمن و پایدار ترافیکی، دو نمونه موفق بین‌المللی هستند.

درحال‌حاضر شاخص تعداد مرگ به ازای هر صد هزار نفر جمعیت در سال برای سوئد ۲،۸، برای هلند ۳،۴ و برای ما حدود ۱۷ (با استناد به گزارش نیروی انتظامی) است؛ به عبارت دیگر اگر ما شاخص سوئد را دارا بودیم سال گذشته بیش از ۱۰ هزار نفر تلفات کمتری داشتیم.

د- سال قبل سران اجرائی ۱۹۱ عضو سازمان ملل متحد، از جمله ایران، متعهد شدند تا سال ۲۰۲۰ میزان مرگ ناشی از حوادث ترافیکی را در کشورهای خود به میزان ۵۰ درصد کاهش دهند. این موضوع در حالی است که طبق اسناد بالادستی مصوب در کشور (قانون برنامه پنجم توسعه کشور و راهبرد ملی ۱۰ساله ایمنی راه‌های ایران)، لزوم کاهش سالانه ۱۰ درصد در مرگ لحاظ شده است.

با توجه به آنکه در سال‌های اخیر در دستیابی به هدف کاهش ۱۰درصدی سالانه ناکام مانده‌ایم و با درنظرگرفتن تعداد ۱۶،۵۸۴ مرگ ناشی از حوادث ترافیکی در سال گذشته و یک حساب سرانگشتی، مشخص است هدف‌گذاری سازمان ملل برای ما ایرانیان دست‌یافتنی نخواهد بود.

در مجموع، اگرچه تاکنون زحمات بسیار زیادی برای این مهم از سوی سازمان‌های مختلف کشیده شده است، اما با مقایسه روند تلفات جاده‌ای در سال‌های اخیر در کشورمان با میانگین جهانی، همسایه‌ها و کشورهای توسعه‌یافته باید گفت سایرین گوی سبقت را از ما ربوده و فعالیت‌های صورت‌گرفته به اندازه سایر کشورها مؤثر نبوده‌اند. دلایل توفیق‌نیافتن زیاد هستند و در این مختصر نمی‌گنجند.

از کاسبی حجره‌ای تا بازرگانی بین‌المللی

بنگاه‌های عظیم مالی و اقتصادی آن مرکز که علنا از سوی شهروندان و محافل وهابی عربستان انجام شد، کجا؟!

احتمالا هدف اصلی از صدور حکمی سیاسی- قضائی درباره ایران در مسئله‌ای نظامی و نامربوط در کشوری ثالث، به‌وجودآوردن زمینه و بهانه و سابقه‌ای قضائی در دعوای اصلی علیه عربستان است که عجالتا با فروش میلیاردها دلار هواپیما و تسلیحات و درگیرکردن آن در یمن و سوریه، در شرایط کاهش بهای نفت، فشاری بر آن وارد کرده‌اند و اکنون از تروریست‌بودن عربستان و غرامت‌خواهی آن واقعه سخن می‌گویند. عربستان هم تهدید کرده بود که اگر موضوع را مطرح کنید، ثروتم را بیرون می‌کشم.

آقای اوباما هم گفته است که اگر کنگره بعدا مصوبه‌ای علیه عربستان داشته باشد آن را وتو خواهد کرد، که البته تعارف به نظر می‌رسد. محیط کنگره بسیار داغ است و ثروت عربستان در آمریکا زیادتر و جذاب‌تر از آن است که رأی کنگره را وتوپذیر کند.

در این شرایط، بیانیه اروپایی‌ها و آمریکا در حمایت از دادوستد با ایران و سخنان رئیس صندوق بین‌المللی پول در همین زمینه را می‌توان نشانه‌ای تلقی کرد حاکی از اینکه غربی‌های خسته از انفجارات صادراتی وهابیون، خواهان اصلاح شرایط و برقراری روابط سنتی و دیرین بازرگانی خود با ایران هستند. ایران هم به سهم خود باید بکوشد چرخ‌های کند شده نظام بانکی بین‌المللی خود را از زنگ‌زدگی ۱۰ساله پاک و آن را راه‌اندازی و در مطابقت با استانداردهای جهانی به‌روز کند. وجود و رفع این ایرادها ربطی به برجام ندارد. به شرایط کسب حجره‌ای نامتجانس با ارتباطات مدرن بین‌المللی مربوط است که باید اصلاح شود.

به شرط آنکه دیوارنوردان و شعاردهندگان، مصلحت‌اندیشی کنند و ورود به روابط خارجی را قدری به دیپلمات‌ها بسپارند.

کارشناسان پاسخ می‌دهند چرا سوئیسی‌ها به یارانه «نه» گفتند، ایرانی‌ها آری

عکس‌العمل متفاوت ملت در رفراندوم یارانه‌ها

شرق: چندی پیش خبری منتشر شد که از یک رفراندوم در حوزه دستمزد پایه بدون کار در یکی از کشورهای توسعه‌یافته خبر می‌داد؛ برنامه‌ای که به‌طور چشمگیری رفاه اجتماعی را در این کشور پیشرفته دگرگون می‌کرد؛ اما بااین‌حال، در برگزاری این همه‌پرسی در دو روز گذشته، مردم این کشور از دریافت دستمزد پایه بدون کار (یارانه) دوهزارو ۵۰۰ فرانک سوئیس (معادل دوهزارو ۵۵۵ دلار آمریکا) استقبال نکردند و در پایان ساعت رأی‌گیری حدود ۷۷ درصد از رأی‌دهندگان سوئیسی به این طرح رأی منفی دادند. این در حالی است که در گذشته هم مردم این کشور کوهستانی از دریافت یارانه برخوردار بوده‌اند. در وهله نخست آنچه در قیاس رأی منفی مردم سوئیس به دریافت دستمزد پایه بدون انجام فعالیت اقتصادی با انصراف‌ندادن مردم از دریافت یارانه‌های نقدی در ایران می‌توان مشاهده کرد، این پرسش را در اذهان ایجاد می‌کند که چرا در ایران مردم حاضر به گذشت از این یارانه نیستند. اغلب کارشناسانی که «شرق» با آنها به گفت‌وگو نشست بر این عقیده بودند که بی‌اعتمادی مردم به دولت‌ها و تصمیمات آنی دولت‌هاست که مردم را بر آن داشته که دم را غنیمت شمارند و از این یارانه یا منفعت حداقلی بهره‌مند شوند؛ هرچند دراین‌میان برخی از کارشناسان معتقدند خصلت زیاده‌خواهی مردم ایران است که سبب می‌شود دست از دریافت یارانه نقدی نکشند؛ گفته‌ای که از سوی دیگر کارشناسان به طور جدی رد می‌شود. به گزارش سی‌ان‌ان مانی و گاردین، این طرح رفاهی در سوئیس طرفداران زیادی در فعالان سیاسی و اجتماعی اروپا پیدا کرده بود. سوئیسی‌ها به طرحی موسوم به دریافت حقوق پایه بدون کار برای همه رأی منفی دادند؛ این خبر تاکنون واکنش‌های بسیاری در رسانه‌های دنیا و شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشته است. درواقع این برنامه اجازه می‌داد سوئیسی‌ها درآمدی معادل حقوق پایه دریافت کنند، بدون آنکه بخواهند بیرون از خانه، کار کنند و دولت موظف می‌شد این میزان را هر ماه به حساب آنها واریز کند و مالیات هم دریافت نکند. طرفداران این طرح که گروهی از فعالان سیاسی و اجتماعی سوئیس هستند، از سال ۲۰۱۳ در حال مذاکره با پارلمان و شورای فدرال هستند تا به دولت بقبولانند، دولت باید در نظام توزیع درآمدها تجدیدنظر کند. حال آنکه دولت سوئیس مخالف این طرح بوده و معتقد است این طرح درآمدهای مالیاتی را کم کرده و به اقتصاد این کشور ضربه می‌زند. بااین‌حال طرح پرداخت پول نقد به شهروندان سوئیسی که بیش از صد هزار امضا برای همه‌پرسی داشت، به رأی گذاشته شد. حامیان این پیشنهاد مصر بودند پرداخت چنین مستمری‌ای به مبارزه با فقر و نابرابری در دنیایی که یافتن مشاغل خوب با درآمدهای ثابت در حال دشوارترشدن است، کمک می‌کند. البته نظرسنجی‌های قبلی نشان می‌داد بیش از ۷۰ درصد مردم سوئیس با این طرح مخالف‌اند؛ زیرا دولت سوئیس و تقریبا تمام احزاب سیاسی این کشور از رأی‌دهندگان خواسته بودند تا به این پیشنهاد رأی منفی بدهند. در حقیقت دراین‌باره، این دولت و احزاب سیاسی بودند که پیروز شدند و با اعتمادی که از مردم این کشور برای خود خریده بودند، توانستند مهر پایانی بر این طرح بزنند. منتقدان، این طرح را یک رؤیای مارکسیستی نامیده و نسبت به افزایش شدید هزینه‌ها و گسترش تنبلی و نبود تلاش برای کارکردن در جامعه که عاملی مضر به‌حال اقتصاد این کشور می‌شد، هشدار داده بودند؛ اما موافقان با رد این استدلال گفته بودند مردم به‌صورت طبیعی می‌خواهند مولد باشند و اختصاص یک درآمد پایه به راحتی انعطاف‌پذیری بیشتری به آنها خواهد داد تا فعالیت‌هایی را انتخاب کنند که بیشترین ارزش را دارد. به گزارش سی‌ان‌ان و گاردین، برنامه‌های دولت رفاه و افزایش نظارت دولت بر اقتصاد کشورهای منطقه یورو، بعد از بحران ۲۰۰۸ افزایش یافته است. طرفداران دیدگاه‌های سوسیالیستی و دولت رفاه به دنبال بحران‌های اقتصادی و افزایش نرخ بی‌کاری، توانسته‌اند جایگاه خود را در بین مردم اروپا محکم‌تر کنند. سوئیس اولین کشوری نیست که درباره این طرح بحث کرده است. فنلاند قرار است سال آینده و به صورت آزمایشی هر ماه به ۱۰ هزار فنلاندی ۵۵۰ یورو به مدت دو سال یارانه نقدی پرداخت کند. طرفداران این طرح می‌گویند افزایش میزان بی‌کاری در منطقه یورو و نیز سرعت ماشینی‌شدن فرایند تولید، سبب زندگی صنعتی و فناوری‌های نوین موسوم به انقلاب صنعتی چهارم شده که نیاز به انسان را هر روز کمتر می‌کند. در نتیجه باید موضوع تعیین دستمزد پایه تبدیل به یک موضوع جهانی شود.

مردم ایران به دنبال حداقل منفعت از دولت‌های با نگاه آنی

کمال اطهاری، اقتصاددان

در تحلیل این اتفاق باید گفت سوئیس دارای دموکراسی مستقیم است. به این معنا که مردم در لحظه به لحظه تصمیم‌گیری‌ها حضور دارند. جامعه مدنی قوی هم به خود اطمینان دارد و هم به کسانی که به‌عنوان نماینده مردم به واسطه او بر سر کار آمده‌اند، اما در ایران دموکراسی مستقیم وجود ندارد؛ علاوه بر آنکه نمایندگان انتخابی ترجیح دوم یا سوم مردم هستند نه انتخاب اول آنها. در چنین شرایطی چون احزاب آزاد نیستند، مردم نمی‌دانند چه برنامه‌ای را برای آینده خود انتخاب کنند. از طرفی از آنجاکه خصلت تعویضی و حکمروایی دولت‌ها آنی است و با تغییر هر دولت، خیل عظیمی از مدیران تغییر می‌کنند، مردم در بلندمدت به دولت‌ها اعتماد ندارند. بنابراین مردم آنچه را که بتواند در لحظه، حداقل‌منفعتی برایشان داشته باشد، انتخاب می‌کنند و حاضر هم نیستند به‌آسانی، آن منفعت را از دست بدهند. مردم ایران تصور می‌کنند، پشت هر کاسه‌ای یک نیم‌کاسه است. این مسئله را نمی‌توان فقط در قالب انصراف از یارانه‌های نقدی دید و می‌توان به بسیاری از اتفاقات دیگر هم تعمیم داد. برخی معتقدند مردم ایران دچار فقر احساسی هستند و نمی‌توانند ببینند دیگری بیش از آنها دارد و در واقع بر نوعی تنگ‌نظری در مردم ایران تأکید می‌کنند. این نوع نگاه، سیاه‌نمایی است که هیچ شناخت جامعه‌شناسی تاریخی یا مقطعی در پس آن وجود ندارد. برخی از روشنفکران داخلی که دستی هم در دولت دارند، از آنجایی که می‌خواهند به‌نوعی اعمال خود را توجیه کنند، سعی می‌کنند بر این طبل بکوبند. این سخنان همان سخنانی است که لرد کورزن (ایران‌شناس) و پولارد (سفیر انگلستان در زمان دکترمصدق) در قالب صفاتی مانند دمدمی‌مزاجی، تنگ‌نظری و ... از آنها یاد می‌کنند. متأسفانه این نوع نگاه از زبان برخی روشنفکران اصیل ما هم تکرار می‌شود.

نگاه مردم ایران کوتاه‌مدت است

علی قنبری، اقتصاددان

در بررسی اینکه چرا مردم ایران حاضر به انصراف و گذشت از دریافت یارانه‌های نقدی نیستند، اما مردم سوئیس از دریافت بیشتر یارانه نقدی خودداری می‌کنند، باید به دو دلیل عمده اشاره کرد؛ نخست، مردم سوئیس و البته اغلب کشورهای توسعه‌یافته می‌دانند آنچه به دست می‌آورند، باید حاصل دسترنجشان باشد، اما مردم ایران هنوز به این آگاهی لازم دست نیافته‌اند که نباید به منابع طبیعی و خدادادی چشم داشته باشند، زیرا این منابع بین‌النسلی است. مردم ایران هنوز دارای انگیزه و روحیه کارکردن نیستند و چشم به دست دولت و منابع طبیعی دارند. در بیانی دیگر، نگاه مردم ایران کوتاه‌مدت است. اگر دولت بتواند برای مردم این فرهنگ انگیزشی را جا بیندازد و در کنار آن، به آنها آگاهی دهد که نسل‌های آینده نیز باید از پول نفت بهره‌مند شوند، این اقدام هم برای مردم و هم دولت‌ها منفعت دائمی دارد، اما اکنون ایرانی‌ها تصور می‌کنند اگر از این منابع استفاده نکنند، از آن بهره‌مند نخواهند شد. متأسفانه در دولت گذشته این تعریف غلط با شدت بیشتری بین مردم راه یافت. دولت احمدی‌نژاد تأکید داشت یارانه‌های نقدی و پول نفت حق مردم است و حالا مردم تصور می‌کنند اگر از دریافت این حق درگذرند، از حق طبیعی‌شان گذشته‌اند و متضرر شده‌اند. دلیل دوم، فقدان سرمایه اجتماعی در ایران است. سرمایه اجتماعی به اعتماد مردم به دولت‌ها بازمی‌گردد که میزان آن در ایران به‌شدت پایین است. عملکرد دولت‌ها طوری نبوده که اعتماد مردم را جلب کند. درحالی‌که دولت‌ها باید تلاش می‌کردند فرهنگ کار و تلاش را میان مردم جا بیندازند تا به واسطه آن و دستیابی به توسعه، به دولت رفاه دست یابیم.

دم را غنیمت شمار

هادی حق‌شناس، اقتصاددان

تفاوت در کشورهای توسعه‌یافته در اخذ مالیات و دریافت یارانه در آن است که در این کشورها مردم آثار تصمیمات دولت‌ها را مستقیما در زندگی خود می‌بینند. مردم وقتی مالیات بیشتری پرداخت می‌کنند حتما خدمات بیشتری دریافت می‌کنند و اگر دولت بگوید با اخذ مالیات بیشتر، خدمات بیشتری ارائه می‌دهد، مردم اعتماد و اطمینان بیشتری به وعده‌های دولت‌ها می‌کنند. همین مسئله مربوط به پرداخت یارانه هم هست. مردم در این کشورها می‌دانند اگر یارانه دریافت نکنند و پول دست دولت بماند، دولت خدمات رفاهی بیشتری به آنها ارائه می‌کند. به‌عنوان مثال اگر امروز تحصیلات ابتدایی و راهنمایی رایگان دارند؛ در ازای دریافت‌نکردن یارانه، فردا تحصیلات دانشگاهی رایگان هم دریافت می‌کنند یا در قبال نگرفتن یارانه، ساعات کار آنها کم می‌شود و اوقات فراغت آنها افزایش می‌یابد. نکته کلیدی در این نظرسنجی و رأی بالای مردم سوئیس در اینجا نهفته است که هر دریافت و هر پرداخت دولت در راستای افزایش رفاه مردم خواهد بود، دقیقا عکس وعده‌هایی که در آذر ۱۳۸۹ در هنگام اجرای هدفمندکردن یارانه‌ها به مردم داده شد. در آن زمان گفته شد افزایش قیمت حامل‌های انرژی منجر به آزادشدن میلیاردها تومان پول می‌شود- که آن پول‌ها صرف تکمیل زیرساخت‌های کشور و در نهایت افزایش اشتغال خواهد شد- یا بیان می‌شد فاصله طبقاتی که شاخص بیان‌کننده آن ضریب جینی است، کم خواهد شد و وعده‌هایی از این دست. به بیانی دیگر، می‌توان گفت یکی از تفاوت‌های معنادار در وعده‌های دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، اعتماد متقابل بین رأی‌دهندگان و رأی‌گیرندگان است. در پاسخ به برخی کارشناسان که معتقدند این مردم هستند که حاضر به گذشت از آنچه به‌دست آورده‌اند نیستند و نگاهشان کوتاه‌مدت است، باید گفت حتی دراین‌باره هم پای دولت‌ها در میان است. وقتی مردم از این منافع کوتاه‌مدت عبور کردند، به منافع بلندمدت دست نیافته‌اند؛ زیرا اولا قانون، باثبات و بلندمدت نبوده و در ثانی به شکل عادلانه اجرا نشده است. برای مثال، دولت در مقطعی می‌گوید شایسته‌ترین افراد جذب دستگاه‌های اجرائی یا استخدام می‌شوند، اما در عمل مشاهده می‌کنیم هزاران نفر بدون آزمون درحالی‌که پیش‌تر در شرکت‌ها مشغول به کار بوده و بی‌کار نبوده‌اند، جذب و استخدام می‌شوند. این رفتارهای متناقض در دولت‌ها کم نبوده است. درواقع منافع از یک منظر و ارائه تسهیلات قانونی از منظری دیگر، هرگز در چارچوب بلندمدت هدفمند نبوده است. بنابراین در کشورهایی شبیه ما آن جمله معروف قابلیت بیان دارد که «دم را غنیمت شمار». در این معنا مردم با خود می‌گویند در همین لحظه اگر نفعی رسید از آن بهره‌مند شو. در این حالت هم این سیاست‌های دولت‌هاست که مردم را مجبور کرده به منافع کوتاه‌مدت فکر کنند.

مسابقه‌زیاده‌خواهی بین ایرانی‌ها

بایزید مردوخی، اقتصاددان

مقایسه دو ملت با یکدیگر کمی سخت است؛ اما آنچه به‌وضوح می‌توان در این زمینه برای نوع رفتار شهروندان بیان کرد، نوع نگاه مردم ایران است. ریشه این رفتار ایرانی‌ها در زیاده‌طلبی‌شان است. به نوعی می‌توان از آن به‌عنوان مسابقه‌ای بین شهروندان یاد کرد. ایرانی‌ها نمی‌توانند تصور کنند کسی یارانه دریافت کند؛ اما دیگری که ممکن است ثروتمند و بی‌نیاز هم باشد، چشم خود را بر این یارانه ببندد. نمی‌توان چنین رفتاری از سوی شهروندان را به اعتماد آنها به دولت‌ها وصل کرد. آنچه هست همان فقر احساسی و ذهنی است که ریشه‌ای تاریخی در میان مردم این مرز و بوم دارد. همه دهک‌های در ایران نیاز به دریافت یارانه ندارند؛ اما دهک‌های نهم و دهم هم حاضر به گذشت از این اشتباه پرداخت یارانه نقدی که از سوی دولت گذشته پایه‌ریزی شد، نیستند. اشتباهی را که چند سال پیش رخ داده نمی‌توان به این سادگی جبران کرد؛ اما دولت ناگزیر است نسبت به حذف این یارانه‌های نقدی اقدام کند. این تکلیف بر دوش دولت است؛ زیرا پرداخت این یارانه نقدی به این شکل گسترده، نه اعتدال است، نه محافظه‌کاری. این یارانه‌های نقدی، منابع ملی است که در حال تلف‌شدن است و باید هرچه سریع‌تر جلوی آن را گرفت.

وزیر اقتصاد وضعیت اقتصادی کشور را برای نمایندگان مجلس شرح داد

سال ۹۵، پایان دوره کندی رشد اقتصادی

شرق: مجلس در روز یکشنبه میزبان محمد قاسمی، نماینده مرکز پژوهش‌های مجلس و محسن جلال‌پور، رئیس اتاق بازرگانی ایران بود. فضایی که قاسمی برای مجلس دهم ترسیم کرد، تماما مرتبط با موضوع سلطه‌گری دولت‌های نهم و دهم بود که در نتیجه آن ۵۴۰ هزار میلیارد تومان بدهی برای دولت روحانی به جا مانده که به گفته قاسمی، بانک مرکزی فاقد استقلال، نقش مهمی را در به‌وجودآمدن این بدهی برعهده داشته است.

دیروز هم وزیر اقتصاد میهمان مجلسی‌ها بود تا باز هم از وضعیت آشفته اقتصاد در دولت گذشته بگوید و بر رشد اقتصادی کم این دولت برای بار چندم در حضور تازه‌واردها تاکید کند. البته رشد اقتصادی اندک تنها معضل دولت قبل نبود و قصه آشفتگی‌های اقتصادی این دولت سر دراز دارد. با این حال وزیر در شرح وضعیت اقتصاد ایران از رشد اقتصادی شروع کرد: پیش از شروع به‌کار دولت تدبیر و امید ترکیبی از نارسایی‌های بلندمدت ساختاری و نهادی، سیاست‌های نادرست اقتصادی و تحریم‌های مختلف مالی و اقتصادی، رشد اقتصادی با میانگین سالانه حدود ۲،۲ درصد را برای دوره هشت‌ساله منتهی به سال ۹۲ در پی داشت. این رشد به‌زحمت می‌توانست آثار رشد جمعیت بر کاهش درآمد سرانه را خنثی کند زیرا رشدی نازل و بسیار کمتر از میانگین نزدیک به ۴،۶ درصدی رشد بلندمدت اقتصاد کشور در بیش از نیم‌قرن اخیر بود و از هدف هشت‌درصدی که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور و به منظور تحقق اهداف سند چشم‌انداز پیش‌بینی شده بود، فاصله بسیار داشت.

وی با یادآوری شرایط دشوار اقتصاد کشور در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ ادامه داد: تداوم رشد منفی اقتصادی برای هشت فصل متوالی و نرخ بالای تورم، رکود تورمی بی‌سابقه‌ای را برای کشور رقم زده بود. رشد اقتصادی منفی ۶،۸ درصدی در سال ۱۳۹۱ و منفی ۱،۹ درصدی در سال ۱۳۹۲ و رسیدن به نرخ تورم متوسط سالانه ۴۰ درصدی و نقطه به نقطه ۴۵ درصدی در سال ۱۳۹۲ نمادهایی از این شرایط دشوار است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی افزود: دولت یازدهم توانست با انضباط‌های مالی و پولی و بازگرداندن آرامش به اوضاع سیاسی و اجتماعی داخلی و بهبود روابط بین‌المللی، فضایی را فراهم کند که شاهد ثبات و آرامش در بازارهای کالا و خدمات و بازار ارز و در نتیجه موفقیت بی‌سابقه در کنترل تورم و مهار نوسانات شدید نرخ ارز باشیم.

طیب‌نیا ادامه داد: پیوستگی این موفقیت سبب شده که اکنون تلاطم‌های شدید نرخ ارز و افزایش‌های پی‌درپی و شدید قیمت‌ها که به یکی از ویژگی‌های اقتصادی ایران تبدیل شده بود، از یادها برود و امکان برنامه‌ریزی و پیش‌بینی شرایط آتی که مؤلفه شرایط اساسی برای سرمایه‌گذاری و رشد باثبات است، فراهم شود.

وزیر اقتصاد در ادامه تأکید کرد: اکنون در شرایطی هستیم که نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه تک‌رقمی شده و در اردیبهشت امسال به ۷،۴ درصد رسیده است. نرخ تورم متوسط سالانه در همین ماه (اردیبهشت) به ۱۰،۴ درصد کاهش یافته و در آستانه تک‌رقمی‌شدن نرخ تورم قرار داریم.

طیب‌نیا، محدودشدن دامنه نوسانات نرخ ارز را از دیگر دستاوردهای اقتصادی دولت برشمرد و گفت: متوسط نرخ دلار در بازار آزاد در سال گذشته معادل ۳۴ هزار و ۵۰۰ ریال بود که در مقایسه با سال ۱۳۹۳ حدود ۵،۲ درصد افزایش یافت. برای مقایسه کافی است توجه کنیم که متوسط نرخ دلار در بازار آزاد در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ بیش از ۹۲ درصد افزایش یافته بود. همچنین شکاف نسبی نرخ دلار بازار آزاد و بازار رسمی با ۷،۱ درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۱۶،۶ درصد در سال ۹۴ رسید. دولت با اتخاذ سیاست‌های صحیح توانست رشد مثبت را به اقتصاد کشور بازگرداند و اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۳ رشد مثبت سه‌درصدی را پس از دو سال رکود متوالی تجربه کرد.

وزیر اقتصاد خاطرنشان کرد: برخی دوستان به تفاوت بین رونق و رکود و مفاهیم ثبات و بی‌ثباتی توجه و دقت لازم را ندارند و کندی بهبود اقتصادی در سال ۹۴ را به معنای نفی موفقیت بی‌نظیر دولت در مهار بی‌ثباتی در قیمت کالاها و خدمات و نرخ ارز القا می‌کنند؛ درحالی‌که اینها شاخص‌هایی مستقل از یکدیگر و البته همگی مهم هستند. اکنون که در پایان ماه آخر فصل بهار قرار داریم، اعتقاد دارم که امسال نقطه‌عطفی برای پایان دوره کندی رشد اقتصادی و آغاز شتاب‌بخشی به رونق اقتصادی باشد. عوامل مختلفی دست به دست هم داده‌اند تا سال ۹۵ را سالی تعیین‌کننده برای آینده اقتصاد کشور کنند.

طیب‌نیا در توضیح این عوامل مؤثر اظهار کرد: ورود به دوره پسابرجام و گشایش‌های تجاری و مالی با پایان‌یافتن تحریم‌های ظالمانه اقتصادی علیه مردم ایران، فضای مناسب اقتصادی در پی ایجاد آرامش و ثبات در بازارهای اقتصادی، وجود ظرفیت‌های خالی اقتصادی، عزم دولت به رعایت انضباط مالی و پولی و سیاست‌های مناسب اتخاذشده برای انجام اصلاحات ساختاری و نهادی در اقتصاد در چارچوب عملیاتی‌کردن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نوید رشد اقتصادی بالاتر و آغاز رونق اقتصادی در سال ۹۵ را می‌دهد. چنین چشم‌انداز مثبتی تأیید سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی را با خود به همراه دارد.

طیب‌نیا تأکید کرد: رونق اقتصادی در سال ۹۵ زمینه‌ساز تحقق اهداف برنامه ششم توسعه و در صدر آنها رشد اقتصادی هشت‌درصدی است. در انتخابات اخیر همه جناح‌های اصلی سیاسی کشور، رونق اقتصادی و بهبود وضعیت معیشت مردم را در اولویت قرار داده بودند. به عنوان وزیر اقتصاد و یک معلم اقتصاد می‌گویم، راه تحقق این شعار انتخاباتی و این خواسته مردم در «همکاری و هماهنگی سه قوه برای حفظ ثبات و انسجام سیاسی است».

بورس

گردش بورس با زور خودروسازان

روزبه معین‌زاده . تحلیلگر بازارهای مالی

● دیروز شاخص کل با ۳۲ واحد کاهش به رقم ۷۶هزارو ۱۲۸ واحد رسید و شاخص قیمت با ۴۶ واحد کاهش به ۲۷هزارو ۷۵۶ واحد کاهش یافت. ارزش معاملات با ۶۳۱ میلیارد تومان، رشد بسیار زیادی را نشان داد. البته با کمی کنکاش متوجه خواهیم شد که حدود ۴۳۳ میلیارد تومان از این حجم مربوط به دو اوراق مشارکت ملی نفت با کدهای (مغرب ۹۷۱۲۲ و مپارس ۷۱۲۲) و همچنین اوراق اجاره فولاد کیش با کد (صکاوه ۷۰۶) بود؛ بنابراین حجم معاملات خالص سهام بورس ۱۹۷ میلیارد تومان بود که تغییر خاصی از معاملات در رکود بورس دیده نمی‌شود. دیروز صنعت خودرو با حجم معامله ۶۴ میلیارد تومان رتبه اول گردش معاملاتی بورس را به خود اختصاص داد. سرمایه‌گذاری رنا با ۲۳ میلیارد تومان و سایپا با ۹،۵ میلیارد تومان از سهام عمده خودرویی بودند که توانستند رتبه اول و سوم حجم معاملات سهام بورس را به خود اختصاص دهند. دیروز سهام خودرویی بعد از دو روز روند مثبتی که داشت، نتوانست مقاومت‌های لازم را بشکند و با افت قیمت مواجه شد. صنعت فلزی با حجم معامله ۲۰ میلیاردتومانی دومین صنعت پرگردش بازار بود و معامله ۱۹،۵میلیاردتومانی سهام آذرآب از این گروه تقریبا اکثر داوستدهای این صنعت را به خود اختصاص داد. از نکات جالب‌توجه در بازار دیروز رشد معاملاتی سهام قندوشکر بود که باوجود کوچکی این صنعت توانست با حجم ۱۰،۵ میلیارد تومان، تا رتبه سوم بازار ارتقا یابد. دیروز سهام فولاد مبارکه با ۴۰ واحد تأثیرگذاری، بیشترین تأثیر منفی را بر شاخص گذاشت. شرکت فولاد مبارکه به‌خاطر اینکه سرمایه خود را به‌تازگی از پنج هزار میلیارد تومان به ۷،۵ هزار میلیارد تومان افزایش داده است حجم زیادی از سهام جدید را روانه بازار کرده است؛ بنابراین یک روند کاهشی را در کوتاه‌مدت در این سهام شاهد هستیم که توانسته تا به‌حال قیمت سهم را حدود ۲۰ درصد کاهش دهد. شرکت‌های فولادی و معدنی سنگ آهن با توجه به اینکه در سال ۹۵ قیمت فروش محصولات خود را پایین‌تر از قیمت بازار پیش‌بینی کردند، به نظر می‌رسد با تعدیل سود روبه‌رو شوند؛ اما با روند کاهشی‌ای که در قیمت‌های جهانی پس از اوج‌گیری تند در دو ماه قبل شاهد هستیم، ممکن است سهام این صنایع باوجود پوشش مناسب در صورت‌های مالی سه‌ماهه، در تعدیل سود محتاط باشند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۶۱۲۸،۶	-۳۱،۹۹
شاخص قیمت	۲۷۷۹۱،۷	-۱۱،۷۱
شاخص کل (هم‌وزن)	۱۳۸۷۲،۴	۳۳،۶۰
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۱۱۳۴۹،۴	۲۷،۴۰
آزاد شناور	۸۵۰۴۷،۴	-۴۲،۱۲
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۳۷،۵	-۴،۵۰

ارز و طلا

یک هفته نگرانی با طلا

● **شرق:** طلا دیروز در جا زد. در ساعت ۱۸ به وقت تهران، اونس جهانی طلا عدد هزارو ۲۴۳ دلار را نشان می‌داد که نسبت به قیمت بازشدن بازار بعد از تعطیلات، افزایشی حدود یک دلار را نشان می‌دهد. طلا ظاهرا تا سخنرانی جانت یلن، رئیس فدرال رزرو آمریکا، که دوشنبه شب انجام می‌شود، بی‌حرکت شده است. به گفته کارشناسان، این سخنرانی می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر نوسانات ارزش دلار و قیمت طلا داشته باشد. نگاه‌های بسیاری از کارشناسان اقتصادی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی نیز به نشست دو روزه فدرال رزرو آمریکا در روزهای ۱۴ و ۱۵ ژوئن، خواهد بود. انتشار آمارهای مهم اقتصادی چین به‌خصوص نرخ تورم و وضعیت تجارت خارجی نیز می‌تواند تأثیر زیادی بر قیمت جهانی طلا داشته باشد. روز سه‌شنبه نیز بانک مرکزی استرالیا نرخ بهره جدید را اعلام می‌کند. روز چهارشنبه آمارهای مازاد تجاری چین اعلام می‌شود. روز پنجشنبه بانک مرکزی نیوزیلند تصمیم خود درخصوص نرخ بهره را اعلام می‌کند. با وجود کم‌تحرکی قیمت اونس جهانی طلا، دیروز بازار طلا در داخل، نوسان‌های نزولی را طی کرد و سکه تمام، چهار هزار تومان نزولی شد. در بازار ارز نیز همه چیز مانند ماه‌های گذشته آرام است و دلار لاک‌پشتی در دامنه ۲۰ تومانی در نوسان است.

ارز	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۴۶۰	-۱۰
یورو	۳۹۴۰	-۲۳
پوند	۵۰۲۰	-۳۵
درهم	۹۵۰	-۲

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۱،۰۰۸،۰۰۰	-۴۰۰۰
طرح قدیم	۱،۰۰۷،۰۰۰	-۴۰۰۰
نیم	۵۱۰،۰۰۰	-۲۰۰۰
ربع	۲۷۳،۰۰۰	-۱۰۰۰
گرمی	۱۸۱،۰۰۰	-۲۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۰۲،۵۰۰	-۵۰۰
اونس (دلار)	۱۲۴۳.۴	-۱،۱